

# محرم منشاء مردمی‌ترین هنر ایرانی

● منصور حمیدی

مراسم شکل‌نمایشی یافته و بالاخره پس از قرن‌ها به مراسم «شبیهِ خوانی» بدل می‌گردد.

«این نظر از مجموع نظریات «ادوارد براون» در جلد چهارم تاریخ ادبی ایران، که خود نیز این خبر را از قول «ابن کثیر شامی» آورده است و اصل خبر از قول (عزالدین علی بن الاثیر) از کتاب کامل التواریخ می‌باشد»<sup>۵</sup>

همچنین (ژان باتیست تاورنیه) سیاح فرانسوی (آدام الیاریوس) (ژان شاردن)، (سانسون) مبلغ مسیحی و (ویلیام فرانکلین) سیاح انگلیسی که همگی در سالهای ۱۶۳۲ تا ۱۷۸۶ میلادی به ایران سفر کرده و مشاهدات خویش را در قالب سفرنامه‌های مختلف ثبت کرده‌اند متفقاً از برپایی مراسم سوگواری شهادت امام حسین (ع) و یارانش در بلاد و شهرهای مختلف ایران به طرق گوناگونی خبر می‌دهند. قدر مسلم این است که تشیع و ایدئولوژی قوی و مقدس این مذهب اسلامی در شکل‌گیری این هنر ارزنده نقش بسزایی داشته است. انگیزه ذهنی (ایجاد شبیه‌خوانی را باید در کیفیت پیدایش و چگونگی بسط و گسترش (شیعه) به عنوان یکی از شاخه‌های اساسی دین اسلام جستجو کرد، زیرا (غضب) خلافت از حضرت علی (ع) و خاندان ایشان توسط (امویان) و مظلومیت این خاندان در چنان هنگامه تیره و تاری در واقع تفکر مذهبی، فلسفی و اجتماعی، برپایی اسباب شبیه‌سازی را تشکیل می‌دهد، چرا که این دو انگیزه جدای از ارتباط ذهنیت مذهبی آن یا تماشاگر شبیه، خود در نزد تماشاگر نمود اجتماعی هم بود از غضب حقوقشان توسط حکام و مظلومیتی که در این رهگذر بر آنان وارد می‌آمد، بنابراین در هنر شبیه‌خوانی باورهای مذهبی و واقعیت‌های اجتماعی درهم می‌آمیزد و سبب می‌شود که شبیه به یکی از نادرترین اشکال هنری تبدیل شود که در آن، میان ارزشهای زیباشناسی و بینش اجتماعی و فلسفی‌اش هماهنگی کامل به وجود آید و این

به مستقیم‌ترین وجه تجلای وحدت الهی است. هنر جهان را روشن و مصفا می‌کند: به روح مدد می‌رساند تا از کثرت تشویق‌انگیز امور بریده و به سوی وحدت بیکران بازگردد»<sup>۴</sup>

با چنین جهان‌بینی شگرف است که هنرمند مسلمان به خلق آثار هنری بدیع می‌پردازد و اگر در اکثر رشته‌های هنری با هنرمندانی زبده و خلاق و آثاری نغز و پرمعنی در جهان اسلام سروکار داریم این همه را مدیون چنین پندار و باور مقدسی هستیم. و همین باور مقدس است که باعث و بانی خلق آثاری در انواع هنرها از جمله در معماری، تصویرسازی، خطاطی و مشاقتی، آواز و موسیقی و هنرهای نمایشی و... با خصوصیات بارز و ویژه‌ای می‌گردد که رنگ و بوی قداست، فرم و محتوی مقدس در همه آنها متجلی است. در ذیل به اجمال اشاره‌ای می‌رود به هنر نمایش در جهان اسلام بخصوص ایران.

## هنر نمایش در جهان اسلام و ایران

ریشه هنر نمایش اسلامی (شبیه‌خوانی) را به صورتی که امروزه معمول است باید در فاجعه مذهبی - تاریخی کربلا و شهادت «حضرت امام حسین (ع)» و یارانش در جنگ با سپاهیان یزید خلیفه اموی در سال ۶۱ هجری قمری جستجو کرد.

در مورد آغاز اجرای مراسم سوگواری و برپایی مراسم تعزیه در شهادت حضرت امام حسین (ع) و یارانش نظرات و اخبار گوناگونی در دست است و از مجموع این همه می‌توان چنین استنباط کرد که گویا فرمانی که «معز الدوله دیلمی» در قرن چهارم هجری صادر می‌کند به مراسم سوگواری فاجعه کربلا رسمیت داده می‌شود. زیرا پس از آن تاریخ بود که هر ساله مراسمی در سوگ شهادت امام حسین (ع) و یارانش در گوشه و کنار برگزار گردیده و جلسات روضه‌خوانی و وعظ برپا می‌گردد. و بدین ترتیب اندک اندک مجموعه این

انسان شرقی بنابه نوع نگرش خود به دنیای پیرامون و درون، در پی تغییر جهان نمی‌باشد و همواره یکی شدن و وحدت را مد نظر داشته است. ذهنیت انسان شرقی براساس مفاهیم مذهبی و اجتماعی، خود را جزیی از جهان هستی می‌بیند، او در حال حرکت به سوی مطلق است و این حرکت دارای هدف و معنی خاصی است که مملو از معنی‌ها، اشارات و باورها می‌باشد و در این بین هنرمند شرقی به ساحتی از ماوراءالطبیعه پیوسته و وابسته است و به باور این هنرمندان، مابعدالطبیعه نامحدود است بسان موضوعش که نامتناهی است. هدف غایی و نهایی هنرمند شرقی «فراخوانی و یادآوری احساسات و انتقال تأثرات نیست بلکه هنر، رمز، کنایه و اشارت است و الگوهایش بازتاب واقعیات ماورا عالم صوری است. این هنر که زبده خلقت (صنع الهی) را به زبان تمثیل تکرار می‌کند، نمودگار سرشت رمزی عالم است و بدین گونه روح انسان را از قید تعلق به واقعیات ناپایدار می‌رهاند»<sup>۱</sup>

## هنر اسلامی

ان... جمیل و هو یحب الجمال<sup>۲</sup>  
«از نظر اسلام هنر الهی، (در قرآن کریم خداوند - هنرمند - (مصور) است»<sup>۳</sup>

پیش از هر چیز تجلی وحدت الهی در جمال و نظم عالم است وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می‌یابد، جمال بالنفسه حاوی همه این جهات است. استنتاج وحدت از جمال عالم عین حکمت است، بدین جهت تفکر اسلامی میان هنر و حکمت ضرورتاً پیوندی می‌بیند. از دیدگاه مسلمان هنر اساساً بر حکمت یا علم مبتنی است و علم چیزی جز ودیعه صورت بسته و بیان شده حکمت نیست، هدف هنر بهره‌مند ساختن محیط انسانی و دنیا آن سان که بدست بشر ساخته و پرداخته شده، از نظمی است که



هماهنگی خود سبب می‌شود تا هنر شبیه‌خوانی بدل به نمایش شود که در آن جهان بینی و توقعات مردمی نشان داده شود.

از طرفی «مضمون شبیه‌خوانی، رویارویی دویزروی خوب و بد، خیر و شر، تیکی و بدی و نور و ظلمت است و به همین دلیل شبیه به عنوان یک (هنر دینی) طرح ثابت داستانی مختص به هنرهای دینی را نیز دارا می‌باشد. طرحی که در همه مذاهب و در انواع هنرهای دینی تقریباً به طور همسان وجود دارد، در شبیه‌خوانی نیز در هیئت (اولیا) و (اشقیاء) و رویارویی این دو در مقابل هم حیات این بن‌مایه‌ی دین و روایی ادامه می‌یابد.»

در بررسی شکل آئینی - سنتی این هنر مقدس در ایران می‌توان شبیه‌خوانی را به عنوان شکل متکامل و جامعی از هنرهای نمایشی آئینی و سنتی ایرانی برگزینیم. در ارتباط با ریشه‌های نمایشی این هنر شاید مجبور شویم به دوران پیش از اسلام و به حماسه‌های (اوستایی)، (پهلوی)، (تاریخی)، و (مذهبی)، از جمله به مراسم (سوگ سیاوش) بازگردیم چرا که در مورد مرگ سیاوش و انجام مراسمی درباره‌ی او اشاراتی در منابع مختلف آمده است از جمله (تاریخ بخارا نوشته ابوبکر جعفر نرشخی) یا نقاشی دیواری (الکساندر مونیک) باستان‌شناس روسی که هر دو سند معتبری در تایید مراسم نمایشی آئینی سوگ سیاوش به شمار می‌رود، اما تجلی و تکامل و همه‌گیری این هنر بومی و مذهبی از دورانی است که قاجار کربلا مضمون و موضوع این

نمایش آئینی گردیده است.

پیتر چلکووسکی محقق روسی تعزیه را نمایش بومی پیشرو ایران می‌نامد و می‌نویسد: «تنها نمایش ارائه شده‌ی دنیای اسلام می‌باشد. تعزیه‌ی ایران نمایش آئینی است که قالب و مضمون آن از سنن مذهبی ریشه‌دار متأثر است این نمایش اگر چه اسلامی اما قویاً ایرانی است که در اصل از میراث خاص سیاسی و فرهنگی خود ملهم است.»<sup>۷</sup>

سخن گفتن یا قلم فرسایی درباره‌ی این هنر مقدس آنچنانکه باید و شاید نه در بضاعت این حقیر می‌گنجد و نه این سطور را مجال آن دست می‌دهد و لذا در این اندک صرفاً به بررسی جنبه‌های نمایشی شبیه‌خوانی بسنده می‌گردد چرا که:

هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست

نه هر که سر بترشد قلندری داند  
هنر والای شبیه‌خوانی گذشته از جنبه‌های اعتقادی و عاطفی، جلوه‌های تصویری و حرکات نمایشی چشمگیری را در خود به همراه دارد. این هنر نمایشی، شخصیت‌پردازی، تیپ‌شناسی، طراحی لباس، روان‌شناختی و سمبولیزم رنگ، صحنه‌آرایی، زیبایی‌شناسی گفتاری و کرداری، ظهور و بروز عواطف و احساسات انسانی و مهم‌تر از همه باورهای مذهبی و واقعیت‌های اجتماعی را چنان منظم و منطقی در خود جای می‌دهد که امروزه روز بزرگان هنر نمایش عالم در مقابل آن سر تعظیم فرود می‌آورند و این هنر نمایشی را

به عنوان (جوهره‌ی درام)<sup>۸</sup> می‌پذیرند.

چگونگی تهیه و تدوین نسخ و مجالس تعزیه خود حدیث مفصلی است که در این اندک نمی‌گنجد همینقدر می‌توان در این رابطه اشارت نمود که تدوین و تنظیم و سرودن مجالس تعزیه ریشه در (حماسه‌های دینی) دارد. از معروف‌ترین حماسه‌هایی که می‌توان نام برد (خاورنامه‌ی مولانا محمدبن حسام‌الدین مشهور به ابن حسام) از شعرای قرن نهم می‌باشد که موضوع اصلی آن غزوات حضرت علی (ع) و سفر ایشان به خاوران و جنگ با قباد پادشاه خاور زمین و... می‌باشد. همچنین اثر دیگری بنام (حملة حیدری) که راجع به زندگانی حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) است و داستان این منظومه بعثت حضرت محمد (ص) پیامبر گرامی اسلام تا پایان خلافت حضرت علی (ع) و ضربت خورفین و شهادت ایشان را دربر می‌گیرد که توسط (میرزا رفیع خان باذل) سروده شده و با وفات وی منظومه ناتمام مانده و سپس (میرزا ابوطالب فنداسکی) معروف به (ابوطالب اصفهانی) آن را دنبال و به اتمام رسانده است. اصلی‌ترین منابع برای مجالس شبیه‌خوانی را می‌توان هنر (مرثیه سرایی) عنوان نمود مخصوصاً مرثیه‌ی شاعرانی چون، (سیف‌الدین فرغانی) شاعر اواخر قرن هفتم و اوائل قرن هشتم، (محتشم کاشانی)، (کمال غیاث شیرازی)، (وصال شیرازی)، (کاتبی ترشیزی) و بالاخره (ملاحسین کمال واعظ کاشفی سبزواری) و دیگران. محتشم کاشانی (۹۹۶-۹۰۵ ه.ق) و

کمال‌الدین حسین علی واعظ کاشفی کلّ وقایع عاشورا و شهادت حضرت امام حسین (ع) و یارانش را با هنرمندی تام به شکلی نغز و بدیع به نظم و گاهی به نثر کشیده‌اند و این وقایع را به صورت نظم داستانی درآورده‌اند- از این پس آنچه برای تدوین یک متن نمایش به عنوان (مجلس شبیه‌خوانی لازم بوده بخشیدن طرح نمایشی به این منبع داستانی بوده که این مهم نیز توسط عاشقان و دلسوختگان آل عبا انجام می‌گیرد که این کار در اواخر با انتخاب اشعاری از آثار (مراثی) و (حماسی، مذهبی) انجام می‌گیرد و سپس شاعرانی چند مستقلاً به سرودن مجالس تعزیه همت می‌گذارند که تاکنون متجاوز از هزار مجلس شناخته شده است دریغ و درد که شاید بتوان گفت کل آنها در مجموعه‌هایی از جمله مجموعه (خوجسکو)، (پلی)، (لیطن) و (چرولی) در کتابخانه‌ها و موزه‌های کشورهای اروپایی نگهداری می‌شوند.

همانطوری که در قبل اشاره رفت به طور کلی منابع داستانی شبیه‌ها از حماسه‌های دینی، مقاتل و کتاب روضه‌الشهدا گرفته شده و به تدریج با افزودن طرح نمایشی که توسط فردی که مسئول ارائه نمایش و به عبارتی (تعزیه گردان) خوانده می‌شود تنظیم گردیدند. «از معروف‌ترین تعزیه گردانان که (مقتل نویسنده) و (معین البکاه) نیز خوانده می‌شوند می‌توان از (خواجه حسینعلی خان) و (میرزا تقی تعزیه گردان) که اولین بار لقب معین‌البکایی را در دوره قاجار به خود اختصاص می‌دهد (سید صادق امین البکاه)، (میرزا علی‌اکبر ناظم‌البکاه) و دیگران را نام برد»<sup>۹</sup>

نمایش با دمیدن در کرنا و شیپور و کوبیدن بر طبل و دهل در هر مکانی که مناسب برای ارائه این هنر است آغاز می‌گردد. از قبل اسباب و آلات و لباس و... هر آنچه برای شبیه‌خوانی لازم است مهیا گشته است، معین‌البکاه (کارگردان) این نمایش مقدس که خود ذاکر و خواننده‌ای توانا و مدیر و مدیر است در حال هدایت شبیه‌خوانانی است که از قبل آنها را تحت تعلیم داشته. شبیه‌خوانان ملیس به البسه‌ای مناسب و آلات و ابزار جنگی در خور در دو دسته، (اولیاء و اشقیاء) یا به تعبیری دیگر (امام خوان و شمرخوان) و یا (موافق خوان و مخالف خوان) وارد میدان یا به قولی صحنه نمایش می‌گردند. گرداگرد میدان نمایش مملو از جمعیت است مردان و زنان و کودکان با باوری وصف‌ناپذیر و دلسپردگی عاشقانه به خاندان آل عبا برای تماشای ظلمی که بر خاندان عترت و طهارت رفته در آنجا گرد آمده‌اند. در میانه میدان شبیه‌خوانی اصل تقابلی نمایشی بین خوبی و بدی، تاریکی و روشنایی، حق و باطل، ظالم و مظلوم به وقوع می‌پیوندد که خود جوهر (نمایش ارسطویی) و (غیر ارسطویی) را تمام و کمال دربردارد. و این خود اولین و آخرین حرف همهٔ ابنای بشر در طول تمام تاریخ می‌باشد چرا که زمان در شبیه‌خوانی از (ازل) تا به (ابد) است.

از نقطه نظرهای نمایشی به معنی خاص آن ویژگی‌های هنری به گونهٔ بسیار ظریف در شبیه‌خوانی موجود می‌باشد از جمله:

۱- انتخاب مجلس مناسب و بررسی نکات دستوری و رعایت اوزان و قوافی در متون شبیه‌خوانی، روخوانی و درست‌خوانی نسخه.

۲- تمرین صوتی و کارایی شبیه‌خوانان از نقطه نظر لحن بیان و لحن خوانی

۳- انتخاب صوری و چهره‌ای افراد و مناسب بودن آنها با موافق‌خوانان و مخالف‌خوانان

۴- دقت در رعایت سمبولیزم رنگ در لباس‌ها و سایر ابزار و وسایل به منظور مناسب‌سازی با شخصیت‌ها و واقعه و جایگاه

۵- تمرین در جهت ادای حرکات مناسب از جمله میدان‌گیری و حرکت میدانی، اسلحه‌پوشی و استفاده از مقابله صوری و مجادلهٔ لفظی شامل:

الف) ایجاد میزانشن مناسب و طرز قرار گرفتن موافق‌خوانان و مخالف‌خوانان با رعایت اصول و قوانین میزانشن‌های (عمودی) و (افقی)

ب) رعایت اصل فاصله‌گذاری نمایش - بین نقش و بازیگر و نمایش و تماشاچی که بنا بر تقدس واقعه نمایشی و شخصیت‌ها به خصوص در مورد موافق‌خوان‌ها لازم‌الاجرا است.

۶- ایجاد ضرب آهنگ مناسب و رعایت حالات عاطفی (mood) با همراهی سنج و طبل و دیگر ادوات موسیقی.

۷- دقت در نشانه‌ها و سمبل‌های معین در بکارگیری لوازم و ابزار صحنه از رود فرات گرفته تا نمایش خیمه و خرگاه و حجله و تنو و...

با توجه به موارد بالا از دیدگاه فرهنگ مادی یعنی گزینش لباس و ابزار و وسائل صحنه و صحنه‌آرایی شبیه‌خوانی قراردادهای ویژه‌ای دارد که بسیار در خور توجه است. از جمله لباسها چون چکمه، قبا، پیراهن و سربند و پرهای رنگی و... هر کدام از لحاظ فرم و رنگ به ازای نقش‌ها انتخاب می‌شوند. مثلاً «حزین یزید ریاحی تازمانی که گرفتار وسوسه و دغدغه است لباس زرد بر تن دارد و آنگاه که توبه حذر را می‌نگریم بر کلاه خود او پرهای سفید را نظاره می‌کنیم. شمر پیراهن سرخ بر تن دارد و بر مقعرش ابلقی سرخ نمودار است. حضرت عباس (ع) پرهای بلند زیبایی به رنگ سبز بر کلاه خودش می‌زند»<sup>۱۰</sup> که همهٔ آنها قابل تأمل و دقت است.

از لحاظ گفتاری کلام در قالب شعر به گونه‌ای که ارسطو نیز در کتاب فن شعرش در قلمرو تراژدی به آن پرداخته البته نه به اقتباس بلکه به پویایی و خلاقیت ادا می‌گردد که این خود به شبیه‌خوانی فصاحت و بلاغتی خاص می‌بخشد، و به همراه حرکات سنجیده و حس‌گیری به موقع شبیه‌خوانان جنبه‌های هنری شبیه‌خوانی را قوت می‌بخشد.

### شبیه‌خوانی و موسیقی

شبیه‌خوانی بدون بهره‌گیری از موسیقی بر دل نمی‌نشیند، و اگر از کاربرد موسیقی در میادین شبیه‌

خوانی غفلت شود شیوایی و گیرایی این هنر از بین می‌رود. نمایش تعزیه با نواختن طبل‌ها و دمیدن در شیپورها آغاز می‌شود. رجز خوانی و اشتمل‌گویی شمر خوانان و جولان اسبشان با موسیقی به نمایش می‌آید. چالش رزم و چکاچک شمشیرها با طبل و سنج نواخته می‌شود، قدم‌ها و حرکات شبیه‌خوانان با موسیقی، ریتم نظم می‌گیرد، حزین خوانی و مویه‌های اهل هرم و سوزگداها با موسیقی جان می‌گیرد و تعویض صحنه به یاری بانگ طبل‌ها چنان به زیبایی انجام می‌گیرد که باز و بسته شدن پرده‌های نمایش و روشن خاموش شدن نورهای نمایش‌های، (تئاتر)‌های اروپایی هرگز قادر به جایگزینی با آن نیست. نقش موسیقی از آواز و نوحه خوانی گرفته تا آغاز و اتمام شبیه‌خوانی در تمام مراحل پیشرفت واقعه به وضوح به چشم می‌خورد و البته زمانی موسیقی در مجالس شبیه‌خوانی دلپذیر می‌گردد که شبیه‌خوانان به ظرایف و نکات و دقایق دستگاه و مقام موسیقی آشنا باشند، حتی انتخاب دستگاه موسیقی همواره بر مبنای تجربه و مطابق با قراردادهای خاصی انجام می‌گیرد. «بدون جهت نیست که هر شبیه‌خوانی آواز خود را در پردهٔ مخصوص از موسیقی می‌خواند مثلاً حذر برای اظهار شجاعت و رجزخوانی در چهارگاه می‌خواند...» در مجالس شبیه‌خوانی همسرایان نوحه‌خوان از یک طرف و همصدایی طبل و شیپور و سنج از طرف دیگر گاه لحظه‌های اندوه‌آور جدایی و شکست و گاه صحنه‌های رزمی را مجسم می‌کنند.

شرح تفصیلی جنبه‌های نمایشی شبیه‌خوانی مستلزم بحث گسترده‌ای است در این مقاله به اجمال گوشه‌ای از ظرایف هنری این هنر جوشیده از چشمهٔ فرهنگ مردم، این نمایش آئین مذهبی، این ارمغان ماه محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر و تنها نمایش اسلامی ایرانی مطرح گردید.

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید  
و السلام علیکم ورحمة...

#### فهرست منابع و مأخذ

- ۱- تیتوس بورهکارت - هنر مقدس - ترجمهٔ جلال ستاری، سروش تهران، ۱۳۶۹، ص ۹.
- ۲- حدیث نبوی
- ۳- قرآن کریم، سوره الحشر، آیه ۲۴
- ۴- هنر مقدس، ص ۱۲
- ۵- جمشید ملک‌پور - سیر تحول مضامین در شبیه‌خوانی (تعزیه)، واحد فوق برنامه، بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، تهران ص ۱۱
- ۶- همان مأخذ، ص ۱۵
- ۷- پیتر چلکوسکی، تعزیه بومی پیشرو، ترجمهٔ داوود خاتمی عملی - فرهنگی، تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۳
- ۸- مجلهٔ نمایش ویژه آوینون، شمارهٔ ۴۷، سال چهارم شهریور ۱۳۷۰، دربارهٔ هنر ایران، ص ۲۶
- ۹- جمشید ملک‌پور، صفحهٔ ۴۴
- ۱۰- عناصری، جابر - شبیه‌خوانی کهن الگوی نمایشهای ایرانی، مرکز هنرهای نمایشی تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۸
- ۱۱- همان مأخذ، صفحهٔ ۱۸۳